



A Comparison on Manu's identity according to Pañcatantra: "The Story of a Tortoise fallen from the Wood" to Ibn-Arabi's Al-Insan Al-Kamel according to the perennial philosophy

Somayeh Mashayekh¹ Zohreh Zarshenas²

1 Corresponding Author; Ph.D in Ancient Iranian Languages and Cultures, University of Tehran, Tehran., Iran. E-mail: somayeh.mashayekh@ut.ac.ir

2. Professor in Department of Ancient and Middle Iranian Languages and Culture, , the Institute for Humanities and Cultural Studies ,Tehran, Iran. E-mail: zarshenas@ihcs.ac.ir

Article Info.

Abstract

Received:
2023/02/05

Accepted:
2023/11/13

Keywords:
Al-Insān
Al-Kāmil;
Pañcatantra;
Sogdiantales;
Philosophia
Perennis;
Manu.

The Sogdian fragment SI 5704T, known as "The Story of a Tortoise Fallen from the Wood", is a short narration of the thirteenth story of the First Book of Pañcatantra. The Sanskrit story quotes a wise man called Manu, who is missing from the Sogdian. Indologists know him as the archetype of the first man. According to Hindu mythology, fourteen mythical rulers called Manu took turns ruling the earth. Ibn 'Arabī knows that the world was never evacuated by Walī. As in Hinduism, the earth will never be evacuated by Manu.

This article aims to compare Manu's identity with Ibn `Arabi's thought on Al-Insān Al-Kāmil. As Philosophia Perennis asserts, common thoughts in religions share universal enlightening truths in different epochs that are widespread, common and distinguishable.

This research is based on a descriptive-analytical method, and all methodological elements are stored in a method library.

This comparison is based on a study of Manu's identity among Sanskrit books such as the Vedas, the Laws of Manu, the Puranas of Jainism and the identity of Al-Insān Al-Kāmil according to Fusus Al-Hikam and Al-Futūḥāt al-Makkiyy. According to Hinduism, each Manu lives for more than three million years; no mortal being can boast such longevity. As Ibn Arabi noted, the world would never be abandoned by the gods Walī. Manu's identity is congruent with the identity of Al-Insān Al-Kāmil by virtue of the Philosophia Perennis. Since Adam, by God's grace, was His Khalifa, Manu, as the archetype of the first man, could be God's Khalifa on earth.

How To Cite: Mashayekh.Somayeh,Zarshenas.Zohreh, C. C. (2024). A Comparison on Manu` .. *Journal of Iranian Studies*, 14 (2), 24-42.

Publisher: The University of Tehran Press.





قیاس هویت Manu در داستان لاک پشت و دو غاز پنجه تتره با «انسان کامل» ابن عربی،

بر اساس فلسفه خالد

سمیه مشایخ^۱ | زهره زرشناس^۲

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتر، گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: somayeh.mashayekh@ut.ac.ir
۲. استاد گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران رایانامه: zarshenas@ihcs.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تمثیل سغدی SI 5704، روایتی کوتاه از داستان سیزدهم تتره اول پنجه تتره، با عنوان «داستان لاک پشتی که از چوب افتاد» است. داستان سنسکریت، نقل قولی از حکیمی به نام «منو» را روایت می‌کند، که در متن سغدی نیامده. هندشناسان منو را کهن الگوی «نخستین انسان» می‌دانند. در اساطیر هندی، چهارده حاکم اساطیری به نام «منو» در ادوار مختلف حاکم زمین هستند و همان گونه که ابن عربی زمین را هرگز از ولی خداوند که «انسان کامل» است، خالی نمی‌داند در اساطیر هندی زمین هرگز از «منو» خالی نیست. این جستار تلاش دارد تا هویت «منو» را با هویت «انسان کامل» ابن عربی، بر اساس حکمت خالد (Philosophia Perennis) مقایسه کند که معتقد است در حیطه ادیان موضوعات واحدی، حقایق روشنگرانه جهانی را در ادوار مختلف، جاری، مشترک و قابل تمیز می‌داند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۸/۲۲

واژه‌های کلیدی:

انسان کامل؛ پنجه تتره؛
تمثیل سغدی؛ حکمت
خالد؛ منو

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده. این مقایسه با بررسی هویت «منو» در کتب سنسکریت از جمله ودا، کتاب قانون منو، و پورانا‌های آیین جین و بررسی هویت «انسان کامل» بویژه در فصوص الحکم و فتوحات مکیه، صورت یافته است. طبق فلسفه هندو، عمر زمینی هر منو، حدود سیصد میلیون سال است که بی‌شک هیچ میرایی چنین عمری ندارد و طبق فلسفه ابن عربی زمین هرگز خالی از «ولی» خداوند نیست. بنابر اصل حکمت خالد، می‌توان هویت «منو» را با هویت «انسان کامل» ابن عربی تطبیق داد. همان‌طور که مقام خلیفه الهی به واسطه عنایت الهی به «آدم» که نخستین انسان بود بخشیده شد، «منو» نیز می‌تواند به عنوان کهن الگوی نخستین انسان یک «خلیفه» باشد.

استناد به این مقاله: سمیه؛ مشایخ؛ زهره؛ زرشناس، (۲۰۲۴). قیاس هویت Manu، فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۲۴-۴۲،

مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

. مقدمه

متون سغدی بر اساس موضوعات متناوبی دسته‌بندی می‌شوند. در این میان می‌توان از مهم‌ترین آن‌ها تحت عنوان توبه‌نامه، داستان و تمثیل‌ها، سرودهای کوچک و بزرگ، تاریخ کلیسای مانوی یا سرگذشت دین، واژه‌نامه و فهرست واژه‌ها و نام‌ها و نام‌ها و جدول گاه‌شماری نام برد (زرشناس، ۱۳۹۶: ۱۶). هنینگ^۱ نخستین کسی بود که رد پای داستان‌های پنجه‌تنتره^۲ را در تمثیل‌های سغدی یافت. او «تمثیل سه ماهی» را مطابق با دو داستان متفاوت از کتاب پنجه‌تنتره معرفی کرد (Henning, 1945: 471). چوناکوا^۳ داستان معروف «لاک پشت و دوغاز» (پاره ۵۷۰۴ SI) را مطابق داستان سیزدهم کتاب اول پنجه‌تنتره یافت و آن را تمثیلی برگرفته از آن دانست (Chunakova, 2017). سیمز ویلیامز^۴ بعدها مجدداً این نسخه را خواند و ترجمه پیشنهادی خود را ارائه داد (Sims-Williams, 2019). هیچ یک از این دو دانشمند، این متن را با متن سنسکریت مقایسه یا تحلیل نکرده‌اند. اگرچه تمثیل‌های سغدی بی‌شماری یافته و خوانده شده‌اند (Morano, 2009)، (Reck, 2009) اما تا به امروز شواهدی مبنی بر اینکه داستان‌هایی، به غیر از «تمثیل سه ماهی» و «تمثیل لاک‌پشت و دوغاز» برگرفته از متن کتاب پنجه‌تنتره باشند در میان متون سغدی یافت نشده‌است. در متن سنسکریت نویسنده از دانایی به نام منو^۵ نقل قول می‌کند، که در متن سغدی نیامده. در اساطیر هند منو، نام نمونه انسان نخستین است. از طرفی نیای قوم ژرمن منوس^۶ نام دارد. در اساطیر هند ۱۴ حاکم اساطیری که هر یک حدود ۳۰۶،۷۲۰،۰۰۰ سال زمینی حکومت خواهند کرد، منو نام دارند. در واقع زمین هرگز از منو خالی نخواهد بود، همانطور که در اندیشه اسلامی از ولی خالی نخواهد ماند

ابن عربی در فلسفه انسان کامل خود، هدف از خلقت بشر را تحقق و به فعلیت رساندن انسان کامل می‌داند و انسان کامل از این جهت در خلقت موضوعیت دارد که کمال عبودیت را در پیشگاه ربوبیت نشان دهد. انسان کامل بواسطه توسل به نیروی مفکره و شهودی خود، از طریق خویشتن، خدا را می‌شناسد. ابن عربی معتقد است زمین هرگز از خلیفه و ولی خالی نخواهد ماند. این پژوهش بر آن است تا هویت منو را در اساطیر هندی با انسان کامل ابن عربی قیاس کند. و به این نظریه بپردازد که این دو هویت، بنابر حکمت خالده، که معتقد است حقایقی ساری و جاری در تاریخ بشر حاکم و تکرار شونده‌اند، یکی هستند.

^۱ Walter Bruno Henning

^۲ Pañcatantra

^۳ Olga Chunakova

^۴ Nicholas Sims Williams

^۵ Manu

^۶ Manuus

۲. پیشینه پژوهش

در عرفان اسلامی برای نخستین بار ابن عربی در فصل اول کتاب «فصوص الحکم» از اصطلاح «انسان کامل» به عنوان الگوی «کمال بلوغ بشری» نام می‌برد. پس از وی عزیز الدین نسفی، در نیمه دوم قرن هفتم است که رساله‌ای با عنوان «الانسان الکامل» را در بیست و یک فصل مکتوب می‌کند. بعد از او عبدالکریم جیلانی (۸۱۱-۷۶۵ ه.ق.) کتاب ارزنده‌ای را با عنوان «الانسان الکامل» در انسان شناسی عرفانی به زبانی عربی می‌نویسد (محمود غراب، ۲۷: ۱۳۸۶). ابن عربی یکی از اوزان عرفان اسلامی است، لذا در مورد او تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است. چیتیک^۱ ابن عربی پژوه معاصر کتب زیادی درباره او مکتوب کرده (چیتیک ۱۳۹۶)، (چیتیک ۱۳۹۷)، (چیتیک، ۱۴۰۱)، (Chittick, 2005). انسان کامل ابن عربی موضوع رساله دکتری تاکشیتا^۲ (Takeshita, 1986) در گروه خاورشناسی دانشگاه چیکاگو است. او تفکر انسان کامل را به عنوان یک صورت الهی و موضوع آن را چون عالم صغیر و عالم کبیر در امر ولایت مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین او به برخی صوفیان چون روزبهان بقلی و غزالی که گسترش دهنده این تفکر بوده‌اند می‌پردازد اما از پرداختن بحث مبسوط به انسان کامل طفره می‌رود و تنها به شرح مختصری از موضوع بسنده می‌کند (Takeshita, 1986)

ماکوتو^۳ (Makoto, 2019)، در مقاله‌ای به موضوع خلافت، امامت و ولایت انسان کامل می‌پردازد. او ضمن بیان ویژگی انسان کامل به بررسی خلافت بعد از حضرت محمد (ص) و بحث خلفاء راشدین و تفاوت میان لقب «خلیفه الله» و «خلیفه الله و رسوله» و به مشروعیت «ولی» می‌پردازد. او بیان می‌کند که طبق نظر ابن عربی، مَهر ولایت و مَهر نبوت دو چرخ برای گرداندن جهان هستند و به لحاظ هستی‌شناسی خلقت بشر، این ولی است که وارث نبی و پایه انگستری یا معیار سنجش خرد، است. پژوهشگر عرب‌زبان حوزه ابن عربی، محمود محمود غراب، با تحقیق در تمامی آثار ابن عربی، توصیفاتی را که ابن عربی در تمامی کتب خود در مورد «انسان کامل» بیان داشته است را در ۲۷ فصل تحت عنوان رساله‌ای به نام «انسان کامل» گردآورده است.

آرتور کریستنسن^۴ در یادنامه آندراس به قیاس هویت منو و کیومرث می‌پردازد و اطلاعاتی هرچند مختصر از منو در اختیار خوانندگان می‌گذارد، او این مقاله را مجدداً در کتاب *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان* (کریستنسن، ۱۳۸۵) منتشر کرد. در مورد پژوهش‌هایی که درباره منو صورت گرفته، بیشتر به نقش اساطیری آن پرداخته شده است (Mazumdar, 1970:85)

^۱ William Clark Chittick

^۲ Masataka Takwshita

^۳ Sawai Makato

^۴ Arthur Christensen

92، (Stefon, 2010). تاکنون هیچ پژوهشی مبنی بر قیاس این دو هویت با یکدیگر انجام نشده‌است؛ لذا برای اولین بار در این جستار به آن پرداخته می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. در ابتدا دو تصحیح موجود از تمثیل سغدی SI 5704 که حاوی متن، داستان لاک‌پشت و دوغاز، است ارائه می‌شود. سپس متن سنسکریت بر اساس اصول وفاداری به متن، ترجمه شده. چنانچه دشوار فهمی در برخی جملات بوده در () مجدد به فارسی امروزی برگردانده شده‌است. در قدم بعدی ریشه‌شناسی نام منو و تحول آن در زبان هند و ژرمن ارائه گردیده. همچنین به منو در کتب سنسکریت از جمله *ودا* و کتاب *قانون منو*، در اساطیر هندو و پورانا‌های آیین جین پرداخته شده. هند شناسان منوس را با شخصیت منو، پیش‌نمونه نخستین انسان، منطبق می‌دانند. پس از آن با ذکر توصیف «انسان کامل» از کتب ابن عربی، به ویژه از *فصوص‌الحکم* و فتوحات به ذکر ویژگی‌های انسان کامل پرداخته می‌شود و هویت آن با منو مقایسه می‌گردد. در نظر ابن عربی، زمین هرگز از ولی خالی نیست و نخواهد ماند، و هر انسانی چون جهد نفسانی کند قادر به رسیدن به این مقام خواهد بود. در پایان به شرح فلسفه *خالده* یا *Philosophia Perennis* پرداخته و نتیجه‌گیری می‌شود.

۴. بحث

۴.۱. ترجمه و معرفی داستان لاک‌پشت و دوغاز در متن سغدی و سنسکریت

۴.۱.۱. معرفی پاره سغدی SI 5704

پاره سغدی SI 5704، حاوی متن سغدی داستان لاک‌پشت و دوغاز است. نسخه، تا قبل از سال ۱۹۰۹ میلادی که نیکولای نیکولایویچ کروتکو^۱ مجموعه دوم خود را به موزه آسیاتیک^۲ اهدا کند با شماره SI 2Kr83 ذخیره می‌شد. معروف است که در موزه آسیاتیک نسخ به طور مجزا شماره‌گذاری نمی‌شدند، بلکه تحت عنوان یک مجموعه کامل، قرار می‌گرفتند. مع الوصف می‌توان، چنین برداشت کرد که این پاره، جزء دومین مجموعه اهدایی کروتکو به موزه آسیایی بوده. پاره، بروی چپ یک کاغذ مستعمل در هشت سطر نوشته شده و بر رویه راست^۳ آن یک متن چینی بودایی نوشته شده، که تنها یک خط آن کاملاً سغدی است و دو خط دیگر ناقص

^۱ Nikolai Sergeyevich Korotkov (Николай Сергеевич Кротков)

^۲ Asiatic Museum (Азиатский музей)

^۳ recto

هستند. کاغذ به رنگ خاکستری روشن است، و با جوهر سیاه به خط شکسته، درشت و شلخته، بر کاغذی به ابعاد ۱۲٫۶*۱۳٫۲ سانتی‌متر نوشته شده است، (Chunokova, 2017). بنابر نظریهٔ رک^۱، این ابعاد، اندازهٔ مرسوم کاغذ جهت نگارش تمثیل‌ها بر کاغذ دست دوم چینی است. استنباط او این است که سغدی‌ها برای مطالعه در سفر، طومارهای چینی را به قطع کتاب جیبی می‌بریده‌اند (Reck, 2009). در هر صورت این نسخه برای نخستین بار توسط چوناکوا خوانده شد (Chunokova, 2017) و نیکولاس سیمز ویلیامز (Sims-Williams, 2019) متن چوناکوا را مورد بررسی قرار داد و اصلاحاتی را بر تصحیح و خوانش او وارد دانست. از آنجایی که هدف این جستار تجزیه و تحلیل لغوی متن سغدی نیست، از پرداختن به تفاوت‌های دو تصحیح عبور می‌کنیم و تنها دو ترجمه و تصحیح مقابله می‌شوند.

منطقاً داستان سنسکریت به مراتب از داستان سغدی طولانی‌تر است. ولی جان کلام به همراه واژگان کلیدی که راه‌گشای ربط تمثیل سغدی به اصل داستان در سنسکریت باشند، وجود دارند. هرچند سخنی از دوستی و الفت این سه حیوان و چگونگی گذراندن اوقاتشان با هم در متن سغدی نیامده؛ ولی با توجه به قاعده‌ای که Reck برای انطباق تمثیل‌های سغدی گذاشته، یعنی وجود حداقل عناصر قابل انطباق در متن تمثیل سغدی با داستان‌های پنجه‌تتره (Reck, 2009)؛ لذا عناصر کافی برای انطباق دو متن هستند و کافی هستند که عبارتند از: فرارسیدن یک خشکسالی، مهاجرت دو غاز، یک لاک‌پشت و نحوه گرفتن چوب.

۴،۱،۲. مشخصات پارهٔ سغدی SI 5704 مقایسه تصحیح و خوانش سیمز ویلیامز و چوناکوا

تصحیح و ترجمهٔ سیمز ویلیامز (Sims-Williams, 2019)	تصحیح و ترجمهٔ چوناکوا (Chunokova, 2017)
1 -] k(yš)ph ۱-] گفتند غازها به [لاک‌پشت	1 -] kyšph ۱. [لاک‌پشت
2-]...[(t) kt ۲- که تو	2-](1)kt ۲. [که
3- tyw my'δ(°)ny kwc'ky δ'rwkw ۳- میان چوب را محکم گاز بگیر	3- tyw my'δ(°)ny kwc'kd δ'rwkw ۳. تو در میان و دهان چوب(تو در میان باش

^۱ Christiane Reck

- درحالی‌که چوب را به دهان گرفته‌ای).
- 4- xns *ny'z -'y m'x 'δw 4- xns zy'y [قلم خوردگی] ZY m'x 'δw
 ۴- و ما دو طرف و ما دو
 ۴. محکم بگیر و ما دو
- 5-z(/n)wš ZY 'δw kyr(?)n kwc'kδ 5-kws ZY 'δw kyr('n) kwc'ky
 ۵- انتها را محکم با دهانمان
 ۵. شاهین، در دو انتهای (چوب) با دهانمان
- 6- xns *ny'z'm k'm frwz-'ny(m) 6 xns zy'y-'mk'm βrwz-'ny-(h)
 ۶- پرواز کنان خواهیم رفت
 ۶- محکم خواهیم گرفت، پرواز کنیم
- 7- šwym k'm tw' cy(my)[7-šwymk'm tw' cym(')[yδ]
 ۷- تو را خواهیم بُرد بیرون
 ۷- باید تو را عازم کنیم (از این)
- 8- (p)[tw'ty z'yh ny(m)[8-[p]tw'ty z'yh ny(š)[k'wym]
 ۸- از این مکان خشکیده...
 ۸- از این مکان خشکیده، (در حالی که بُرده)...

۳، ۱، ۴. ترجمه سنسکریت داستان لاک‌پشت و دوغاز

- ۱، ۳۴۵ داستان کمبوگریوه لاک‌پشت^۱ (Olivelle, 1997: 51), (Pañcatantram, 2021 : 190-192)
۱. روزی روزگاری، در آبیگری، لاک‌پشتی به نام کمبوگریو هست. (روزی روزگاری، لاک‌پشتی به نام کمبوگریو در آبیگری بود).
 ۲. دو غاز به نام‌های [سمکته (لاغر) و ویکته (فربه)] از گونه‌ی غاز [ها]، بهترین دوست [ان] وابسته [او بودند].
 ۳. آن دو غاز، به کناره‌ی برکه [می‌رفتند]، همراه با او، نه یک (چندین) داستان بارها از ریشی‌های بزرگ [می‌گفتند] و به هنگام غروب در آشیانه‌ی خود سرپناه می‌گرفتند.
 ۴. پس آمد زمانی که مطابق خواسته [باران] نیارید، برکه آرام آرام (به) خشکی رسید. (برکه آرام آرام خشک شد).
 ۵. از این رو آن دو [غاز] نگران [گشته]، به [لاک‌پشت] گفتند.
 ۶. ای دوست! [از] این آبیگر جز گل [نمانده]، پس شما را چه خواهد بود (وضعیت تو چگونه خواهد بود)،
 ۷. از این رو ما دو در قلب پریشان (دل نگران) گشته‌ایم.
 ۸. [با] شنیدن این، کمبروگیا گفت:

^۱ در کتاب پنجه‌تتره بندها شماره‌گذاری شده‌اند. عدد ۱ یعنی کتاب (تتره) اول و عدد دوم بیانگر شماره‌بند است.

۹. ای [دوستان]، اکنون [دیگر] در نبود آب، امکان ادامه حیات برای ما نیست.
۱۰. از این رو باید راهی (چاره‌ای) بی‌اندیشیم.
۱۱. چه گفته‌اند:
۱۲. حتی به وقت سیه روزی نیز نباید شکیبایی را از دست داد
۱۳. بواسطه تحمل از طریق شکیبایی، راهی به دست می‌آید.
- چه در [میان] دریا، تاجر دریا نورد کشتی شکسته، [هنوز] آرزوی (امید) عبور دارد.
- ۱,۳۴۶
۱. از این گذشته
۲. همواره به وقت بلا، یک پیرو خردمند
۳. به منظور نجات دوستان و خویشان باید جهد کند، منو^۱ چنین گفته.
- ۱,۳۴۷
۱. پس شما مقداری طناب محکم و یا یک تکه چوب بیاورید
۲. و همچنین آگیری را که مملو از آب باشد، بجوید.
۳. [چون من] میان آن [چوب] را با دندان‌هایم گرفته،
۴. شما دو، بخش انتهایی آن چوب را، با من متصل به میانه آن را گرفته، [به سوی] آن آگیر هدایت می‌کنید.
۵. آن دو [غاز] گفتند: «ای دوست!
۶. [ما دو] چنین خواهیم کرد!
۷. پس شما باید مطابق با حکم سکوت [این کار را] کنید
۸. اگر نه، از چوب خواهی افتاد!»
۹. پس [طبق نقشه] انجام شد، کمبرو گیوه قسمتی [از] شهری را در پایین [پاهایش] دید
۱۰. آن [جا] شهروندان او را دیده،
۱۱. با حیرت، چنین گفتند:
۱۲. «شگفتا! یک (حجم) کروی شکل به دو بال می‌رود
۱۳. بنگرید! بنگرید!
۱۴. با شنیدن همه‌مهمه (مردم شهر)
۱۵. کمبرو گیوه گفت: (می‌خواست بگوید)

^۱ Manu

۱۶. «آی! این داد و قال از برای چیست؟»
 ۱۷. چنین نیت گفتن [داشت که] تا انتها بیان نکرده؛ سقوط کرد
 ۱۸. و توسط اهالی شهر، تکه تکه شد.
 ۱۹. لذا، من می‌گوییم:
 ۲۰. [آنکس که پند] دوست خیرخواه نگیرد، چنین [شود].
 ۲۱. و از این روست، انگه‌ته‌ویدتا و پرتیوپنامتی، دو دوست، شادمان گشتند (نجات یافتند) [در حالی که] یدبه‌اویش‌یه نابود گشت.

در متن سنسکریت، خواندیم چون آب بر که به زوال می‌رود، در حالی که دو غاز نگران دوست خود بودند، لاک‌پشت ایشان را اینگونه نصیحت می‌کند:

1.346

2. mitrārthe bāndhavārthe ca buddhimān yatate sadā
 3. jātāsv āpatsu yatnena jagādedaṃ vaco Manuḥ

۱,۳۴۶

۲. همواره به وقت بلا، یک پیرو خردمند

۳. به منظور نجات دوستان و خویشان باید جهد کند، این گفته «منو» است.

۴,۲. بررسی هویت منو

۴,۲,۱. ریشه‌شناسی نام منو در زبان‌های هند و اروپایی

در زبان‌های هند و ژرمن واژه معادل «مرد» در دو شاخه اسمی تعریف می‌شود، که هر یک به طور جداگانه به دو شاخه منشعب می‌شوند. شاخه اول حاوی مضمون دلاوری و شجاعت به خرج‌دادن است و یادآور نیرو و پشتکار مردانه است که مشتقات آن در سه زبان فوق: زبان‌های لاتینی -virtus یونانی -ávδρεία و سایی^۱ -nerio باقی مانده‌است. واژه‌های زیر در هر ردیف معادل لغت «مرد» هستند. (Schrader, 1901: 521)

1.skr. vīra-, Av. vīra-, lat.vir-, ir. fer. got.waír-, lit.wýras- ⇒ «مرد»

2.skr. nār-/ nṛ-, Av. nar-, gr. άνήρ ⇒ «مرد»

در شاخه دوم که خود نیز به دو زیرشاخه منشعب می‌شود، کلمات بین مفهوم «مرد» و «انسان»، در نوسانند.

1. Skr. manu-, «مرد»

^۱ زبان سایی، در ایتالیای کهن، توسط سایی‌ها که به مرکز ایتالیا کوچ کرده بودند، صحبت می‌شده است

- got.manna, «مرد»
 oldslv..možī- . «مرد»
 mhg.ohg.anfr.mnl.nnl.: man-, «مرد»
 ags.mann(a)-, «مرد»
 engl.swed.:man-, «مرد»
 onord.maðr- «مرد»
 2.lat. hommo- «انسان»
 got. guma- «مرد»
 oldlit. z'mū-(z'mogùs) «انسان، مرد»

معنی باستانی کلمه «انسان» اشاره به «کسی، هیچ‌کس، او» دارد. در تمامی این زبان‌ها مشارالیه این کلمه به همان اندازه که یک موجود مذکر بوده، یک موجود مونث نیز بوده است (Mitzka, 1957: 459). در زبان آلمانی ضمیر مبهم man- «کس، کسی» مشتق از حالت نهادی مفرد کلمه Mann «انسان» است، همانطور که در زبان فرانسه ضمیر مبهم on- «کس، کسی» مشتق از واژه لاتین homo «انسان» است (Mitzka, 1957: 457). مطابق واژه‌شناسی‌های داده شده، ریشه کلمه «انسان» در زبان‌های هند و اروپایی مشتق شده از واژه سنسکریت skr.manu- است. در واژه‌نامه مونیبر ویلیامز^۱ skr.manu منو معادل «مرد، موجود متفکر؛ انسان کامل، ۱۴ منو حاکم اساطیری زمین» آمده است. (Monier-Williams, 1989: 748.2)

۴،۲،۲. منو در متون سنسکریت

در اساطیر هند، «منو» منتسب به نخستین انسان یا نمونه نخستین انسان است. همچنین چهارده حاکم اساطیری زمین، «منو» نام دارند. از طرفی کتاب *قانون منو* نیز منتسب به اولین منو، است. (Dalal, 2014: 762-764). نام او در ودا RV V.29.7 به عنوان اولین پیش نمونه انسانی که مراسم قربانی را به جا آورده، آمده است. (Geldner, 1902: 26).

۴،۲،۳. منو در متون ودا

مطابق ریگ‌ودا RV V.29.7، منو اولین کسی است، که مراسم قربانی را به جا می‌آورد و بواسطه فدیة خود، ایزد ایندرا را در نبرد یاری می‌کند.

^۱ Monier- Williams

^۲ manava dharma śāstra

« ۷-اگنی شفیق، مطابق خواسته دوستش (ایندرا) ۳۰۰ گاو میش برای او پخت. ایندرا، هوم فشرده شده به دست) منو را نوشید، در آن واحد سه تالاب پُر را، جهت کشتن ورترا.» (Geldner, 1902: 26).

۴,۲,۴. منو، در کتاب قانون منو

در فصل اول کتاب قانون منو، خالق جهان که قائم به ذات است، با نیم کردن بدن خود به یک زن و مرد، موجودی به نام «ویراج»^۱ را خلق می‌کند و ویراج با تولید گرمایی زاهدانه، منو را بوجود می‌آورد. منو خود را خالق جهان معرفی می‌کند، چراکه او می‌خواست، موجودات صادر شوند. (Doniger. & Smith. 1991:50-51);

« ۶- پس خداوند که قائم به ذات است، خود ناآشکار است، مسبب این (جهان) شد تا آشکار شود، نیروی خود را در عناصر بزرگ و هر چیز دیگر نهاد، او آشکار شد و تاریکی را راند. (Doniger. & Smith. 1991:50)

۸- او به طور عمیق اندیشید، چراکه قصد داشت گونه‌های مختلف موجودات را از کالبد خود صادر کند، نخست، آنها را صادر کرد و بعد تخمه خویش را در آنها نهاد. (Doniger. & Smith. 1991:50)

۲۱- در آغاز او اسامی خاص و فعالیت‌های فطری خاص و شرایط خاص همه چیز را بطور دقیق مطابق با کلام ودا ساخت. (Doniger. & Smith. 1991:51)

۳۲- او کالبد خود را به دو نیمه کرد، و در یک نیمه به یک مرد، و در نیمه دیگر به یک زن بدل شد. خداوند ویراج، را در آن زن صادر کرد. (Doniger. & Smith. 1991:51)

۳۳- و آن مرد، ویراج، گرمایی زاهدانه را بوجود آورد و از خویشتن کسی را صادر کرد، که تو که بهترین دوبار زاده‌شدگان هستی باید بدانی که آن کسی که او صادر کرد، من (منو) بودم. خالق این جهان. (Doniger. & Smith. 1991:51)

۳۴- چراکه من قصد داشتم، موجودات را صادر کنم...» (Doniger. & Smith. 1991:51)

۴,۲,۵. نام منو در اساطیر هندو و پورانا‌های آیین جین

مطابق اساطیر هندی، و روایات کیهان‌شناختی، در پوراناها^۲ و دیگر متون، برهما^۳، خالق قائم به ذات، نیز دارای آغاز و پایانی است. یک روز عمر او ماهاکالپا^۴، یا کالپای بزرگ نام دارد، در پایانش یک

^۱ Virāj

^۲ Purana

^۳ Brahma

^۴ Mahakalpa

ماهاپرالایا^۱، یا طوفان بزرگ است. هر کالپا^۲ شامل ۱۴ مانوانتارا^۳ است. هر مانوانتارا، معادل ۳۰۶،۷۲۰،۰۰۰ سال زمینی است و در هر مانوانتارا، ۷۱ ماهایوگا^۴ قرار دارد. هر مانوانتارا، بازه‌ای از زمانی است که در آن یک منو، یک حاکم اساطیری، حکومت می‌کند و در هر مانوانتارا، یک منوی متفاوت حاکم است و در کل تاریخ چهارده منو بر زمین حکومت خواهند کرد. (Dalal, 2014:762-764) (Mazumdar, 1970:85-92)

نام اولین منو، سوایم‌بهو^۵ در لغت به معنی «پسر معنوی برهما» است، که همان منویی است که به عنوان پیش نمونه نخستین انسان از کالبد برهما خلق می‌شود. بازه زمانی کنونی تحت فرمانروایی هفتمین منو است. شخصیت هفتمین منو، منطبق با نوح در ادیان ابراهیمی است. در شته‌پته‌برهمانا^۶ آمده که یک ماهی آمدن طوفانی را به منو هشدار می‌دهد و او مشغول ساخت یک قایق می‌شود. چون طوفان می‌آید قایق را به شاخ ماهی می‌بندد و به مکانی امن در قلّه کوهی می‌راند. با فروکش کردن طوفان، منو تنها ناجی بشر، آب زوهر، کره و شیر ترش به آبها نثار می‌کند. بعد از یک سال از آبها دختری آبزاد متولد می‌شود که خود را «دختر منو» می‌نامد. این دو نیای نسل جدید بشر را تولید میکنند. (Stefon, 2010: Manu)

۴،۳ منوس^۷ صورت دیگری از منو در قوم ژرمن

تنها سند مکتوبی که از اساطیر قوم ژرمن باقی مانده، کتابی است به زبان لاتین با عنوان *De origine et Situ Germanorum* معروف به *Germania*، نوشته تاکیتوس^۸، مورخ نامی رومی. در فصل دوم این کتاب درباره چگونگی شکل‌گیری قوم ژرمن سخن می‌گوید. چنین آمده که تویستو، ایزدی زمین‌زاد است و تنها فرزند او که پسری به نام منوس است که نیای قوم ژرمن می‌شود. (Germania: Chapter II) هند شناسان، منوس ژرمنی باستان را منطبق با منوی- هندی باستان می‌دانند. (Mayerhofer, 1980: 575-576)

“ Celebrant carminibus antiquis,

quod unum apud illos memoriae et annalium genus est.

Tuistonem deum terra editum et Filium Mannum,

¹ Mahapralaya

² Kalpa

³ Manvantara

⁴ Mahayuga

⁵ svayambhuva

⁶ Shatapatha Brahmana

⁷ Mannus

⁸ Tacitus

originem gentis conditoresque.

Manno tris filios assignant, e quorum

nominibus proximis Oceano Inagaeuvones,

medii Herminones, ceterie Istaevones vocentur.” (Germania: Chapter II)

"در میان این قوم، در اشعار کهن‌شان

که تنها ابزار (استناد به) تاریخ‌شان است.

از ایزدی زمین‌زاد (به نام) تَایستو و پسرش مانو می‌خوانند،

نیا و مؤسس نژادشان.

منوس را سه پسر بود، که به نام ایشان

ژرمن‌های اقیانوس نشین، خود را اینگه‌وَن‌هامیان-نشین‌ها (خود را) هرمینون-ها، و سایرین (خود را)

ایستون-ها نامیده‌اند."

۴,۴ قیاس منو و انسان کامل ابن عربی

در عرفان اسلامی این ابن عربی است که برای نخستین بار از اصطلاح «انسان کامل» به عنوان الگوی «کمال بلوغ بشری» نام می‌برد، پس از وی عزیز الدین نسفی، در نیمه دوم قرن هفتم است که رساله‌ای با عنوان «الانسان الکامل» را در بیست و یک فصل مکتوب می‌کند. بعد از او عبدالکریم جیلانی (۸۱۱-۷۶۵ ه.ق.) کتاب ارزنده‌ای را با عنوان «الانسان الکامل» در انسان‌شناسی عرفانی به زبانی عربی می‌نویسد (محمود غراب، ۲۷:۱۳۸۶). محمود محمود غراب، پژوهشگر عرب زبان حوزه ابن عربی، با تحقیق در تمامی آثار ابن عربی، توصیفاتی را که ابن عربی در تمامی کتب خود در مورد «انسان کامل» بیان داشته است را در ۲۷ فصل تحت عنوان رساله‌ای به نام «انسان کامل» گردآورده است.

تفکر انسان کامل ابن عربی ملهم از آیه ۳۰ و ۳۱ سوره بقره است. آنگاه که فرشتگان از خلقت بشر به خداوند اعتراض می‌کنند و آدم ایشان را به نام‌هایشان می‌خواند در حالی که ایشان از دانستن نام او عاجزند.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ

نُسَبِحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

وَاعْلَمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾

۳۰- و خدا همه اسماء را به آدم یاد داد، آن گاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود: اسماء اینان را بیان کنید اگر شما در دعوی خود صادقید.

۳۱-گفتند: منزهی تو، ما نمی دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی، که تویی دانا و حکیم.(بقره ۳۱-۳۰)

بنابر اعتقاد ابن عربی، خداوند انسان کامل را برای حفاظت عالم از تباهی، «خلیفه» قرار داد، از این روی مادامی که انسان کامل در عالم باشد، عالم پیوسته از تباهی محفوظ است، مادام که انسان کامل در آن است (ابن عربی، ۱۳۸۹: ۱۱). اگر انسان کامل نبود، جهان آفریده نمی شد چراکه هدف خداوند از آفرینش جهان، خلق انسان کامل است. از طرفی آدم به چهره خداوند آفریده شده و علم به خداوند که وجود محدث است تنها در وجود کسی ممکن است که به چهره حق آفریده شده باشد. از این رو او را کامل نامند، او روح عالم است و جهان از بالا و پایین در دست اوست، انسان کامل، عین مقصود و هدف است. چه خداوند هنگامی که اراده کرد، شناخته شود، امکان نداشت کسی او را بشناسد که به صورت حق متجلی نشود و خداوند کسی را جز انسان به صورت خود نیافرید (محمود غراب، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۱). در عرفان ابن عربی انسان کامل بنابر چهره حق آفریده شده از طرفی مطابق فلسفه هندو، منو نیز مخلوق خالق یعنی «برهما» است.

در بخش ۴،۲،۴. این جستار خواندیم که در کتاب قانون منو، منو به عنوان پیش نمونه نخستین انسان از صورت برهما خلق می شود. در واقع مولد اصلی منو، برهما است که با نیم کردن خود به یک موجود نرینه و مادینه او را بوجود می آورد (Doniger. & Smith, 1991:51). هدف برهما از خلقت منو، آشکار کردن خودش است. در ادامه خالق این جهان (مادی) منو است و او قصد دارد موجودات را صادر کند (Doniger. & Smith, 1991:51). اگرچه بنا بر فلسفه ابن عربی خالق جهان، انسان کامل نیست، اما وجود او شرط بقای جهان است. و شرط بقای جهان ملزم به حضور انسان کامل در آن است. از ویژگی های انسان کامل آن است که می اندیشد، اگرچه انسان غیر کامل به بیان ابن عربی، انسان حیوان، نیز قادر به فکر کردن است لیکن موضوعیت تفکر این دو متفاوت است. دغدغه انسان کامل اندیشدن به اسماء الهی است. در واقع او صاحب خردی برتر است و افق تفکراتش بالاتر از انسان حیوان است. منو نیز صاحب خردی برتر است که در داستان لاک پشت و دوغاز از او نقل قول، می شود تا به کلام سنجیده گوینده، اعتبار ببخشد. در کتاب قانون منو، هنگامی که برهما قصد خلق منو را دارد؛ در آغاز اسامی خاص و فعالیت های فطری خاص و شرایط خاص و همه چیز را بطور دقیق مطابق با کلام ودا می سازد (Doniger. & Smith, 1991:51). در خلقت حضرت آدم (ع)، نخستین انسان کامل، نیز خلقت نخستین نمونه بشر، به همراه اسامی خاص، فعالیت های فطری خاص و مطابق با کلام خاص صورت می پذیرد. شاید این کلام خاص را بتوان همان اسماء حسنی ای دانست که آدم از آن ها اطلاع می یابد و به این واسطه صاحب

برتری و فزونی مقام می‌شود. در کتاب قانون منو، خواندیم که هیچ موجودی که صاحب ویژگی‌های منو باشد، پیش از او خلق نشده بوده. قبل از آدم نیز هیچ موجودی چون او خلق نشده است چون وی هدف آفرینش پیش از هستی است، از این رو جز بخاطر او و حضور او، آفریده‌ای پیش از او خلق نشده است. اگر وی نبود، آفرینش صورت نمی‌گرفت. قوای همه آفریدگان در انسان نهفته است و تمام مراتب در او وجود دارد. انسان دارای دو جنبه، خلق و حق است. (محمود غراب: ۱۳۸۶: ۶۳-۶۲) منو نیز دارای نیروی خالق و حق است. اگرچه او مخلوق است اما او صادر کننده موجودات است. (Doniger. & Smith, 1991:50-51) خداوند انسان را به عنوان خلیفه خلق کرد، یعنی کمال مطلوبی که خداوند بشر را برای آن منظور آفریده، خلیفه‌الهی است. خداوند هرگز نگفت من در روی زمین پیامبر یا رسولی قرار دادم بلکه فرمود «أَنْتَى جَاعِلٌ فِى الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و رمزى در کلمه «خلیفه» نهفته است. «خلیفه» هدف خداوند از خلقت بشر است. اوست که به اسماء الهی تسلط دارد، و اوست که به صورت خالق خلق شده و ارزش و مقام حق را به لحاظ ظاهر و باطن داراست. نبوت غیر اکتسابی است اما، خلافت مقامی اکتسابی است و هر موجود کاملی، می‌تواند در مقام «جانشین» باشد، و زمین هرگز از انسان کامل تهی نمی‌ماند و هیچ‌گاه بی‌خلیفه نیست. (محمود غراب، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۶۵)

در بخش ۴،۲،۵ خواندیم که چهارده حاکم اساطیری در ادوار مختلف ظهور خواهند کرد و ما اکنون در دوره حکومت هفتمین منو هستیم که منطبق با نوح در ادیان ابراهیمی است. اولین منو از چهارده منوی حاکم، «سوایم‌بهو» نام دارد، که همان نخستین بشر است. (Dalal, 2014:762-764) همانگونه که آدم به جهت فضل خداوند دارای این برتری شد که هم مخلوق باشد و هم خلیفه؛ منو، نخستین نمونه انسان نیز دارای این افتخار است که نخستین حاکم اساطیری نیز باشد. منو، زمان کرانمند بی‌کرانه‌ای را بروی زمین حکمرانی خواهد کرد. زمان حکومت هر منو یک منواتارا معادل ۳۰۶،۷۲۰،۰۰۰ سال زمینی است. به عبارتی زمین هرگز از منو خالی نخواهد ماند همانگونه که مطابق اندیشه ابن عربی هرگز از خلیفه خالی نخواهد بود.

۴،۵ فلسفه خالد

بنابر فلسفه خالد یا Philosophia Perennis برخی موضوعات متناوب در تاریخ فلسفه جاری و ساری هستند. و برخی حقایق ویژه مانا و ماندگارند که بواسطه نوشتارهای فلسفی در تمام ادوار تاریخ فلسفه قابل تشخیص و تفکیک هستند. این فلسفه از فلسفه‌های زودگذر روز، مانا تر است. فلسفه خالد، فلسفه ای جاودان است و حقیقت آن باعث پایداری آن از نسلی به نسل دیگر می‌شود. در ۷۰ سال گذشته فلسفه خالد بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لیکن قدمت آن بسیار طولانی‌تر از این زمان است. فلاسفه بی‌شماری مدعی آن بوده‌اند بطوری که به اشتباه اساس آن را برگرفته از لایبنتز می‌دانسته‌اند. شواهد

حاکمی از آنند که این فلسفه بسیار کهن‌تر از آن است (Schmitt, 1996: 505-508) وحدت استعلایی ادیان، تنها از وحدت حقیقت به دست نمی‌آید، بلکه حاصل وحدت نژاد گونه بشر است و دلیل قانع‌کننده بر این امر خود وجود بشر و ظرفیت نیروی مفکره اوست. فکرکردنی با کیفیت و باهدف، یعنی فکرکردن به چیزی که اهمیت دارد. تنها موجودی که در کره زمین مرگ را پیش‌بینی می‌کند، بشر است و در عین حال تمنای بقا دارد. تنها موجودی که تمنای دانستن دارد و قادر به دانستن است، و قادر به دانستن چرایی روح و چرایی هستی است، بشر است. از ویژگی‌های انسان داشتن خرد مطلق است. خردی که در عین حال واقعی است و قادر به اندیشیدن به کل است. انسان به واسطه قدرت اختیار و احساس بالا، از حیوان تمیز داده می‌شود. چراکه یک خرد والا او را از حیوانات جدا کرده است. خرد مطلق به او این نیرو را می‌دهد که طبعی بلند یابد، به این معنی که انسان تنها موجودی است که قادر است بر خلاف غریزه خود چیزی را نخواهد یا بخواهد، او قادر است خود را جای دیگران بگذارد و ابراز همدری بکند. او قادر به قربانی کردن و دلسوزی کردن است. انسان قادر به عشق‌ورزیدنی با کیفیت و با گزینش است؛ این یعنی حتی عشق او نیز بواسطه خردش تعیین می‌شود، اما اگر چنین نباشد، دچار عشقی کوردلانه و مسموم است. او موجودی واقع‌گرا است و واقع‌گرایی او اعمال او را تعیین می‌کند. بر اساس حدیث نبوی آسمان و زمین خداوند را در خود جای ندادند اما قلب بنده مومن چنین کرد. خداوند تمنای شناخته شدن داشت و با خلق آدم خود را آشکار کرد.

بنابر کتاب قانون منو، انگیزه خلقت، خواست خداوند مبنی بر آشکار شدن و شناخته شدن ذکر شده است (Doniger. & Smith, 1991:50). چرا خدایی که از وجود خویش آگاه بود، تمنای شناخته شدن داشت؟ در پاسخ باید چنین گفت که این امکانی است که خداوندی خدا را می‌سزد. چیزی که می‌تواند نباشد ولی هست و لذا چرایی این پرسش، برای بشر به زمان بی‌کرانه‌ای متصل شده و برای تمامی فرزندان آدم در تمامی اعصار تکرار می‌شود. (Schuon, 1993: 149-155).

۵. نتیجه گیری

انسان باستان به واسطه دانش غریزی خود، بر این امر که موجودی متفکر است، آگاه بوده لذا نام نمونه انسان نخستین را منو، برگرفته از IE^*men «اندیشیدن» می‌گذارد. در ادوار بعدی او به صورت منوس، از ایزدی زمین زاد در قوم ژرمن متولد می‌شود. و کلمه انسان در میان زبان‌های هند و اروپایی برگرفته از نام منو می‌شود. کلمه منو، الزاماً بار جنسیتی ندارد و بطور عام به معنی «انسان» است. بنا به گفته ابن عربی «انسان کامل» محدود به جنس مذکر نمی‌شود و هر انسانی که خود را به شناختی بشناسد که خالقش را بشناسد «انسان کامل» است.

در عالم خلقت موجودات و مخلوقات دیگری هستند که به لحاظ جرم و حجم از انسان بزرگترند اما

جایگاه انسان را ندراند. دنیا و هر آنچه در آن است تنها برای «انسان کامل» خلق شده است. در کتاب قانون منو، خواندیم که برهما با تقسیم کالبد خالق به یک زن و مرد، موجودی به نام ویراج را صادر کرد و از او منو صادر شد. شاید انسان باستانی بهترین وسیله جهت بیان این امر که «انسان کامل» از چهره حق صادر شده است را بواسطه تولد او از یک واحد به دو نیم شده می‌دانسته. مطابق فلسفه خالده، یک حقیقتی در کل تاریخ جریان دارد که دائماً ساری است و در ادوار مختلف به شیوه‌های گوناگون تکرار می‌شود و از بین نمی‌رود. بنا به فلسفه انسان کامل ابن‌عربی، زمین هرگز از انسان کامل یا همان خلیفه، خالی نمی‌شود از طرفی عمر هر منو حدود ۳۰۶،۷۲۰،۰۰۰ سال زمینی است. بی‌شک هیچ موجود میرایی چنین عمری ندارد. پس بنابر فلسفه حکمت خالده، منو می‌تواند به تعبیر ابن‌عربی «انسان کامل» یا خلیفه باشد، که هم مردان و هم زنان در صورت ترکیه نفس قادر به دست‌یافتن آن مقامند. همانطور که آدم(ع)، نخستین نمونه بشری، به واسطه عنایت الهی، خلیفه نیز هست؛ منو نخستین نمونه انسان نخستین نیز خلیفه است چراکه انسان باستانی عمری عجیب طولانی را برای او متصور است لذا زمین هرگز بی‌وجود او نخواهد بود. و این موجود صاحب خرد و اندیشه‌ای زبانزد و برتر است. که هوش او برگرفته از خالق است و نقل قول از سخنان خردمندانه او، مایه افتخار است. پس چنین می‌توان نتیجه گرفت که منو همچون حضرت آدم(ع)، در عین اینکه نخستین انسان هستند، خلیفه و ولی خداوند بر زمین هستند، گویی در فلسفه هندی لفظ «ولی» و «خلیفه» را می‌شود، برای «منو» به کاربرد.

۶ تعارض منافع:

نویسندگان متعهد می‌شوند مقاله تعارض منافع ندارد

۷. منابع

۷،۱ منابع فارسی

- قرآن کریم(۱۳۷۵)، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران، رودکی. بقره: ۳۰-۳۱
- ابن‌عربی، محی‌الدین، فصوص‌الحکم(۱۳۸۹). ترجمه محمد خواجوی، چاپ چهارم، تهران: مولی.
- چیتیک، ویلیام(۱۳۹۶). در جستجوی قلب گمشده، ترجمه سید امیر حسین اصغری، تهران: فلات.
- چیتیک، ویلیام(۱۳۹۷). سلوک معنوی ابن‌عربی، ترجمه حسین مریدی، تهران: جامی.
- چیتیک، ویلیام(۱۴۰۱). عوالم خیال ابن‌عربی، مسئله اختلاف ادیان، ترجمه قاسم کاکایی، تهران: هرمس.
- زرشناس، زهره(۱۳۹۶). دستنامه سغدی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سعیدی، گل‌بابا(۱۳۸۶)، انسان کامل محی‌الدین ابن‌عربی، چاپ اول، تهران: جامی.

کریستن سن، آرتور (۱۳۸۵)، نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه زاله آموزگار - احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران: چشمه.

7.2 . Reference

- Pañcatantram* (2021), An English Introduction, English Translation with Original Sanskrit Text and Index of Verses, Naveen Kumar Jha, Delhi: Adinath Printers
- Chittick, William C. (2005). *Ibn `Arabi Heir to the Prophets*, England, Oxford.
- Christensen, Arthur (1916). Reste von Manu Legenden in der iranischen Sagenwelt. in *Festschrift Carl Andreas zur Vollendung des siebzigsten Lebensjahr* am 14. April 1916.
- Chunakova, (2017). A Sogdian Manichean Parable, in *Written Monuments of the Orient*. December 2017, 3(2), pp.35-44.
- Dalal, Roshen (2014). *Hinduis, an alphabetical Guide*. India: Penguin Books.
- Doniger, W., & Smith, B.K. (1991). *The Laws of Manu*. England London: Penguin Books.
- Geldner, Karl Friedrich (1902), *Der Rig Veda, Volume 2*. Cambridge Massachusetts. Harvard University Press.
- Henning, W.B. (1945). Sogdian Tales. in *BSOAS 11/3*. pp.465-487.
- Makoto, Sawai (2019). Ibn `Arabi on the Perfect Man (al-insān al-kāmil) as spiritual Authority: Caliph, Imam, and Saint. in *Kenan Rifai Center for Sufi Studies 2*, Kyoto Uni pp.49-60.
- Takeshita, Masataka (1986), *Ibn `Arabis Thought of the Perfect Man and its Place in the History of Islamic Thoughts* (Doctoral Dissertation, Chicago, Illinois).
- Mayerhofer, Manfred (1980), *Kurzgefasstes etymologisches Wörterbuch des Altindischen*. Band 2. Heidelberg: Carl Winter Universitaetsverlag.
- Mazumdar, B.P. (1970), Manus in Puranas. *Proceedings of the Indian History Congress*, 1970, Vol. 32, VOLUME I, pp.85-92.
- Mitzka, Walther (1957). *Etymologisches Wörterbuch der Deutschen Sprache*. Berlin W35: Walter de Gruyter & co.
- Monier- Williams, Sir Monier (1899). *A Sanskrit English Dictionary*. Delhi: Motilal Banarsidass.

- Morano, Enrico (2009). Sogdian Tales in Manichaeae Script. in *Beiträge zu Iranistik*, 2009, Band 31, pp.173-200.
- Olivelle, Patrick (1997). *Pancatantra*. New York: Oxford University Press.
- Reck, Christiane (2009). Soghdische manichäische Parabeln in soghdischer Schrift mit zwei Beispielen: Parabeln mit Hasen. in *Beiträge zu Iranistik*, 2009, Band 31, pp.211-224.
- Schmitt, Charles B. (1966). Perrenial Philosophy: From Agostino Steuco to Leibniz. in *Journal of the History of Ideas Oct.- Dec. 1966, Vol.27, No.4*, pp.505-532
- Schrader, Otto (1901). *Reallexikon der indogermanischen Altertumskunde, Grundzüge eine Kultur und völkergeschichte Alteuropas*. Strassburg: Verlag von Karl J. Trübner.
- Schuon, Frithjof (1993). *The Transcendent Unity of Religions*. USA: Quest Books.
- Sims-Williams, Nicholas (2019). The Turtle and the Geese: A Pancatantra Fable in Sogdian. in *Iran Namag, Fall/Winter 2019 Vol.4 Nr.3-4, pp.14-19.1*
- Stefon, Matt, (2010). Manu. in *Encyclopedia Britannica*, <https://www.britannica.com/topic/Manu>
- Tacitus, C. Cornelius (98), *De Origine et situ Germanorum*.